

به نام خدا



عنوان مستند: شیوه‌نامه رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری

شماره ویرایش: صفر

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴ در کمیته تدوین ضوابط و ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ در هیأت مدیره

مرجع تصویب: کمیته تدوین ضوابط و هیأت مدیره

مقدمه

طبق بند ۲ ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار، صندوق سرمایه‌گذاری « نهاد مالی است که فعالیت اصلی آن سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌باشد و مالکان آن نسبت به سرمایه‌گذاری خود، در سود و زیان صندوق شریک‌اند.» با تصویب قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در سال ۱۳۸۸، صندوق سرمایه‌گذاری به عنوان یک شخصیت حقوقی جدید به رسمیت شناخته شد که عمدتاً تابع اساسنامه خود است. همچنین موضوع فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری از صرفاً به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار به هر موضوع فعالیت دلخواهی که در اساسنامه پیش‌بینی و توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تصویب شود، توسعه داده شد. به موجب این قانون، گواهی‌های سرمایه‌گذاری به عنوان اوراق بهادار شناخته شد و صندوق و سرمایه‌گذاران در صندوق از هرگونه مالیات، معاف گردیدند.

به موجب قانون بازار اوراق بهادار و قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، صندوق سرمایه‌گذاری نهاد مالی محسوب می‌شود. بنابراین هرگونه احکام مرتبط با نهادهای مالی در این دو قانون، شامل صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز می‌گردد. این احکام به طور خلاصه عبارتند از اینکه: صندوق سرمایه‌گذاری با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل شده و باید نزد آن سازمان به ثبت برسد و فعالیت آن تحت نظارت آن سازمان است. اساسنامه، موضوع فعالیت و صلاحیت ارکان صندوق باید به تصویب سازمان برسد. سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند هرگونه مقرراتی برای فعالیت صندوق وضع کند و برای اطمینان از رعایت این مقررات، هرگونه گزارش و اطلاعاتی از صندوق مطالبه نماید و از آن بازرسی کند. همچنین سازمان می‌تواند در صورت تخلف صندوق از قوانین و مقررات، طیف وسیعی از مجازات انضباطی برای صندوق و اشخاص مسئول آن، تعیین کند.

با تصویب قوانین یادشده، زمینه‌های قانونی لازم برای تشکیل انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری با اهداف و ساختار متفاوت و سرمایه ثابت یا متغیر به صورت قابل معامله^۱ یا پذیرفته نشده، بنابراین از اواخر سال ۱۳۸۶ که اولین صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار تشکیل شدند، تاکنون انواع مختلف صندوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران به شرح زیر تشکیل شده یا مقررات تشکیل آن‌ها به تصویب رسیده است:

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------|
| ۱- صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت | ۶- صندوق پروژه |
| ۲- صندوق سرمایه‌گذاری در سهام | ۷- صندوق جسورانه |
| ۳- صندوق سرمایه‌گذاری مختلط | ۸- صندوق طلا |
| ۴- صندوق شاخصی | ۹- صندوق بازارگردانی |
| ۵- صندوق زمین و ساختمان | ۱۰- صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی |

این شیوه‌نامه به منظور رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار تنظیم شده است؛ گرچه اصول آن قابل استفاده برای رتبه‌بندی سایر انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز هست. به نظر برهان، رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری به عنوان مکمل درجه‌بندی عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، چرا که درجه‌بندی عملکرد به عملکرد گذشته صندوق سرمایه‌گذاری در مقایسه با صندوق‌های هم‌تا توجه دارد، در حالی که رتبه‌بندی کیفیت

¹ Exchange Traded Fund

مدیریت در مورد شرایط حال و آتی مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری قضاوت می‌کند. گزارش رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری، اطلاعات جامعی راجع به وضعیت حال و آتی مدیریت صندوق را ارائه می‌دهد که می‌تواند در کنار درجه‌بندی عملکرد صندوق، مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

رتبه‌بندی کیفیت مدیریت، اساساً بر مبنای قضاوت حرفه‌ای شکل می‌گیرد. برهان، رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری را با توجه به شش حوزه شامل (۱) مدیریت و ساختار سازمانی، (۲) کیفیت فرآیند و سیاست سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک، (۳) حاکمیت شرکتی و نظام کنترلی، (۴) تداوم فعالیت، (۵) روابط با سرمایه‌گذاران و (۶) فعالیت‌های پشتیبان، ارزیابی می‌کند. شش حوزه یاد شده خود به زیر بخش‌هایی تقسیم می‌شوند که در نمودار زیر (شکل ۱) ترسیم شده‌اند و در ادامه هر کدام توضیح داده می‌شوند.



شکل ۱: چارچوب رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری

۱. مدیریت و ساختار سازمانی

نقش مدیریت در موفقیت یک سازمان برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده بر کسی پوشیده نیست. ساختار سازمانی مناسب نیز به تقسیم وظایف بهینه منجر شده و ارتباطات عمودی و افقی بین مدیران را تعریف و فرآیند تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند. برای این منظور باید شرح وظایف هر واحد و نحوه برقراری ارتباط و مشارکت با واحدهای دیگر به روشنی تعریف و مدیران و کارکنان واحدهای مختلف سازمانی در این خصوص آموزش دیده باشند. شرح وظایف باید پوشش دهنده همه فعالیت‌های کلیدی و مهم باشد. ترکیب هیئت مدیره صندوق باید از نظر تخصص و تجربه با اهداف و مسئولیت‌هایی که در قبال صندوق و همچنین سایر مسئولیت‌های محوله دارد تناسب داشته باشد. مشارکت هیئت مدیره در تدوین سیاست‌های صحیح

عنوان مستند: شیوه‌نامه رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

راهبردی و میزان نظارت آن بر اجرای سیاست‌های تدوین شده رأساً یا از طریق کمیته‌های تخصصی، میزان دسترسی هیأت مدیره به گزارش‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای انجام وظایف خود و در نهایت ثبات مدیریت از جمله ثبات گروه مدیران سرمایه‌گذاری در ارزیابی این بخش اهمیت دارد. همچنین وجود ساختار سازمانی مناسب برای اعمال نظارت هیأت مدیره از جمله وجود کمیته‌های انتصابات، تعیین حقوق و مزایا و کنترل داخلی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در ایران، گروه مدیران سرمایه‌گذاری مسئولیت تصمیم‌گیری در خصوص مدیریت سبد سرمایه‌گذاری صندوق را به عهده دارد. گرچه بخش‌های دیگر مدیر صندوق می‌توانند به مدیران سرمایه‌گذاری یاری برسانند، ولی این در نهایت گروه مدیران سرمایه‌گذاری است که برای خرید، فروش یا نگهداری اوراق بهادار و هرگونه سرمایه‌گذاری به نام صندوق، تصمیم می‌گیرند. مدیر صندوق، گروه مدیران سرمایه‌گذاری را منصوب کرده و هر زمان که بخواهد می‌تواند آن‌ها را عزل کند. گروه مدیران سرمایه‌گذاری می‌تواند سیاست‌ها و خط‌مشی سرمایه‌گذاری را در چارچوب اساسنامه و امیدنامه صندوق تعیین کند. این گروه همچنین می‌تواند برای اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری تعیین شده، تصمیم‌گیری روزانه برای خرید، فروش یا نگهداری سرمایه‌گذاری‌ها را به یک یا چند عضو از گروه مدیران سرمایه‌گذاری، تفویض اختیار نماید.

ترکیب گروه مدیران سرمایه‌گذاری از نظر تجربه و تخصص و تناسب آن‌ها با اهداف و استراتژی‌های تعریف شده برای صندوق و میزان استقلال آن‌ها، اهمیت زیادی در نیل به اهداف صندوق دارد. گروه مدیران سرمایه‌گذاری، بخصوص باید در خصوص مدیریت سبد سرمایه‌گذاری‌ها، تحلیل صنعت، تحلیل شرکت و اوراق بهادار خاص و مدیریت ریسک تجربه و تخصص داشته باشند. به عنوان مثال گروه مدیران سرمایه‌گذاری در یک صندوق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار با درآمد ثابت باید در خصوص مفهوم دیرش و تحدب اوراق بهادار با درآمد ثابت و سبد سرمایه‌گذاری متشکل از این اوراق، ریسک نوسان نرخ بهره و ریسک نکول اوراق بهادار با درآمد ثابت و به طور کلی اصول مدیریت سبد سرمایه‌گذاری متشکل از اوراق با درآمد ثابت، دانش و تجربه لازم را داشته باشد، در حالی که در یک صندوق سرمایه‌گذاری در سهام، گروه مدیران سرمایه‌گذاری باید بر تحلیل صنعت، محاسبه بازدهی مورد توقع با توجه به ریسک، تحلیل اوراق بهادار خاص و کنترل ریسک سیستماتیک سبد سرمایه‌گذاری، مسلط باشند. بسته به اینکه استراتژی صندوق استفاده از انواع روشهای بنیادی، تکنیکال یا ترکیبی از آن‌ها در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری باشد، گروه مدیران سرمایه‌گذاری باید دانش و تجربه لازم در هر یک از این روش‌ها یا هر دو را در اختیار داشته باشد. روشن است که ترکیب مناسب گروه مدیران سرمایه‌گذاری به تنهایی کافی نیست و اعضای گروه مدیران سرمایه‌گذاری باید فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های صندوق، مشارکت داشته باشند. برهان از طریق بررسی مستندات از جمله صورت‌جلسات گروه سرمایه‌گذاری و مصاحبه با آن‌ها، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

از آنجا که مدیر صندوق وظیفه انتخاب مدیران سرمایه‌گذاری، نظارت بر عملکرد آن‌ها و انجام فعالیت‌های پشتیبانی از صندوق را به عهده دارد، کیفیت مدیریت مدیر صندوق و حاکمیت شرکتی برقرار شده در آن، بر کیفیت فعالیت صندوق تأثیر دارد.

تناسب تجربه و تخصص مدیران و کارکنان کلیدی با وظایف محوله، دارای متصدی بودن تمام این مشاغل و وجود برنامه‌های آموزشی لازم برای ارتقاء مداوم دانش و تخصص آن‌ها که باید متناسب با فعالیت‌های جاری و برنامه‌های آتی باشد و همچنین برنامه‌های جانشین‌پروری مناسب، در ارزیابی مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری نقش بسزایی دارند و مدیران ارشد مربوطه و هر یک از اعضای کمیته‌ها که در زمینه تصمیمات سرمایه‌گذاری و تحلیل‌ها و مدیریت ریسک دخالت دارند به عنوان کارکنان کلیدی محسوب می‌شوند.

برهان همچنین نظام‌های انگیزشی مدیران سرمایه‌گذاری و مدیران و کارکنان کلیدی مدیر صندوق را بررسی و تناسب آن‌ها را برای ایجاد هماهنگی بین اهداف این مدیران و کارکنان با اهداف صندوق ارزیابی می‌کند. علاوه بر این ساختار کارمزد مدیر که می‌تواند بر اساس عملکرد یا نسبتی از ارزش خالص دارایی‌های صندوق یا ترکیبی از این دو باشد؛ بر هم‌راستا کردن اهداف صندوق و مدیر صندوق مؤثر است. در صورتی که کارمزد مدیر بر اساس عملکرد باشد، آنگاه مدیر به سمت دیدگاه کوتاه‌مدت هدایت می‌شود و در صورتی که این کارمزد نسبتی از دارایی‌های صندوق باشد، می‌تواند توجه این مدیر به عملکرد صندوق را کاهش دهد.

برهان همچنین ارزیابی اشخاص و مراجع نظارتی و حرفه‌ای مربوطه در خصوص صندوق و مدیران آن را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. کیفیت فرآیند و سیاست سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک

فرآیند سرمایه‌گذاری در مرکز فعالیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری قرار دارد که مسئولیت آن با مدیر صندوق است. فرآیند سرمایه‌گذاری شامل تحلیل و پژوهش، سیاست‌گذاری، تخصیص دارایی‌ها، مدیریت ریسک، توازن مجدد و نظارت و ارزیابی عملکرد سبد سرمایه‌گذاری می‌شود.

سیاست‌های سرمایه‌گذاری باید منطبق با نیازها، اهداف، خصوصیات و سلايق سرمایه‌گذاران و با رعایت محدودیت‌های مقرراتی و مندرج در اساسنامه و امیدنامه صندوق و تحلیل‌های اقتصادی-مالی تعریف شده باشد و به طور شفاف اهداف و محدودیت‌ها را دربر گیرد. در فرآیند سرمایه‌گذاری باید این اطمینان حاصل شود که همه عوامل مهم در هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. فرآیند سرمایه‌گذاری باید شامل شناسایی نیازها، اهداف، خصوصیات و سلايق سرمایه‌گذاران باشد. فرآیند سرمایه‌گذاری باید در عین حال انعطاف و اختیارات لازم را برای برخورد به موقع تصمیم‌گیرندگان با اتفاقات و اطلاعات جدید، داشته باشد. برهان مستندات فرآیند سرمایه‌گذاری و میزان رعایت آن را در عمل بررسی و ارزیابی می‌کند.

در فرآیند سرمایه‌گذاری توجه به تحلیل صنعت، شرکت‌ها و اوراق بهادار از اهمیت خاصی برخوردار است. مدیر صندوق باید برای اجرای فرآیند سرمایه‌گذاری، منابع انسانی کافی و با مهارت‌های لازم را فراهم نماید. وجود بخش‌هایی برای جمع‌آوری داده‌ها و تحقیق و تحلیل صنایع و شرکت‌ها و همچنین مدیریت ریسک با جایگاه سازمانی مناسب و نیروی انسانی و مهارت کافی و آموزش دیده، برای حمایت از تصمیم‌گیری مدیران سرمایه‌گذاری صندوق ضروری است. در صورتی که مدیر صندوق این امور را برون‌سپاری کرده باشد، کیفیت کار پیمان‌کار و تناسب تجربه و تخصص وی مورد ارزیابی واقع می‌شود.

رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق بر توانایی مدیریت در دستیابی به عملکردی با ثبات تحت شرایط مختلف بازار نیز بستگی دارد. از این رو فرآیند سرمایه‌گذاری باید شامل مدیریت ریسک نیز باشد. مناسب است که ارزیابی انواع ریسک‌ها اعم از ریسک‌های ذاتی و غیرذاتی، ریسک بازار، ریسک نقدشوندگی، ریسک تمرکز، ریسک نکول و ریسک طرف مقابل^۲ در دستور کار قرار داشته و سطح ریسک قابل قبول تعریف شده باشد. تنوع‌بخشی و ارزیابی ریسک در سطح سبد سرمایه‌گذاری نیز مورد توجه خواهد بود. وجود مستندات مدیریت ریسک با اهمیت قلمداد می‌شود و برهان این مستندات را از نظر مربوط بودن و به‌کارگیری ابزارهای متنوع اندازه‌گیری و مدیریت ریسک مورد ارزیابی قرار خواهد داد. برهان معتقد است وجود یک واحد سازمانی مستقل در جایگاه مناسب در ساختار سازمانی مدیر صندوق که مدیریت، نیروی انسانی و امکانات کافی را در اختیار

^۲ Counterparty Risk.

داشته باشد، در اجرای فرآیند مدیریت ریسک تأثیر بسزایی دارد. نرم‌افزارها و دستورالعمل‌های به‌کار رفته برای مدیریت ریسک نیز از اهمیت برخوردارند. میزان اتکای مدیر صندوق به منابع خارجی در مدیریت ریسک و صلاحیت طرف قرارداد نیز بررسی می‌شود. در رتبه‌بندی کیفیت مدیریت، برهان همچنین نمونه‌هایی از خروجی‌ها و پایبندی مدیریت به اجرای رویه‌های مدیریت ریسک را بررسی خواهد کرد.

واضح است که بدون داشتن داده‌های صحیح، امکان تصمیم‌گیری درست، میسر نیست. دسترسی داشتن و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز مالی و اقتصادی برای پشتیبانی از تحلیل‌ها، اهمیت خاص خود را دارد. مدیر صندوق می‌تواند جمع‌آوری، پالایش و راستی‌آزمایی داده‌ها را از طریق واحد سازمانی درونی انجام دهد یا از خدمات شرکت‌های معتبر (نظیر شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی ثبت شده نزد سازمان بورس) استفاده نماید. برهان فرآیندها و نیروی انسانی اختصاص داده شده به این امر یا در صورت برون‌سپاری، اعتبار طرف قرارداد را ارزیابی خواهد کرد.

اداره سبد سرمایه‌گذاری و اصلاح مستمر آن برای تطبیق با سیاست‌های سرمایه‌گذاری، جزئی از فرآیند سبدگردانی محسوب می‌شود که مورد توجه برهان خواهد بود.

فرآیند سرمایه‌گذاری باید شامل ارزیابی عملکرد سبد سرمایه‌گذاری و بازخورد دوره‌ای آن باشد. تعریف شاخص‌هایی واضح برای ارزیابی عملکرد سبد سرمایه‌گذاری و تعیین دوره‌های اندازه‌گیری آن، ضرورت دارد. دوره‌های اندازه‌گیری باید به گونه‌ای تعیین شده باشد که انحراف احتمالی به موقع شناسایی شود. همچنین در فرآیند سرمایه‌گذاری باید نحوه برخورد با نتایج حاصل از ارزیابی عملکرد، تعیین شده باشد. برهان نمونه‌هایی از ارزیابی عملکرد صورت گرفته و نحوه برخورد با نتایج آن را نیز بررسی می‌کند.

برهان بر این عقیده است که طراحی فرآیند مدیریت ریسک، فعالیتی یکباره نیست و با کسب تجربه از اجرای آن، باید بهبود مستمر این فرآیند در دستور کار قرار داشته باشد. در رتبه‌بندی کیفیت مدیریت، برنامه‌های مدیر صندوق برای ارتقاء و بهبود فرآیند سرمایه‌گذاری، از جمله تقویت بخش‌های تحقیقات، مدیریت ریسک و ارزیابی عملکرد، مورد توجه قرار می‌گیرند.

۳. حاکمیت شرکتی و نظام کنترلی

حاکمیت شرکتی به طور کلی به معنی نظامی است که از طریق آن یک شرکت، راهبری و کنترل می‌شود. هیأت مدیره موظف است اهداف و استراتژی‌های شرکت را تنظیم و مدیریت اجرایی را در رسیدن به این اهداف، هدایت و کنترل کند و نتایج عملیات را به صاحبان سهام گزارش کند. برقراری حاکمیت شرکتی منجر به شفافیت و پاسخگویی بیشتر مدیریت شرکت در مقابل صاحبان سهام و سایر ذی‌نفعان می‌شود و این امکان را به وجود می‌آورد که تا حدی بین منافع تمام ذی‌نفعان از جمله صاحبان سهام، مدیران اجرایی، مشتریان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه و منابع مالی، دولت و جامعه تعادل به وجود آورد. بنابراین حاکمیت شرکتی تمام جنبه‌های وظایف مدیریت در پیگیری اهداف، اعم از برنامه‌های عملیاتی، کنترل داخلی و بیرونی، ارزیابی عملکرد و افشاء را در بر می‌گیرد. بخش‌هایی از نظام حاکمیتی مستقر در صندوق و مدیر صندوق در سایر قسمت‌های این شیوه‌نامه از جمله در قسمت «مدیریت و ساختار سازمانی»، ارزیابی می‌شود. برهان در این قسمت، میزان استقلال هیأت‌مدیره مدیر صندوق و مدیران سرمایه‌گذاری صندوق، کنترل درونی، کنترل بیرونی، کنترل تضاد منافع و کنترل معامله با اشخاص وابسته را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این خصوص هم‌چنین به اختلافات احتمالی صندوق با ارکان یا سرمایه‌گذاران، نحوه حل

و فصل اختلافات و شکایات، نحوه رعایت قوانین و مقررات و نیز هرگونه آراء انضباطی صادره از سوی مراجع ذیربط و نیز احکام قضایی صادره از سوی محاکم قضایی توجه می‌شود.

استقلال هیأت مدیره مدیر صندوق، بستگی به تعداد مدیران مستقل موجود در ترکیب آن دارد. در مورد تعریف عضو مستقل هیأت مدیره، برهان به مقررات جاری در کشور و بهترین معیارهای جهانی در این زمینه اتکاء می‌کند. یک عضو هیأت مدیره وقتی مستقل است که به جز حق حضور در جلسات و پاداش هیأت مدیره و کمیته‌های هیأت مدیره که به تصویب صاحبان سهام می‌رسند، هیچ‌گونه منافع مستقیم یا غیرمستقیم با اهمیت دیگری در شرکت تحت مدیریت نداشته باشد. البته سهامدار بودن عضو هیأت مدیره در شرکت تحت مدیریت به شرط آن که وی را به یک سهامدار عمده تبدیل نکند، لطمه‌ای به استقلال مدیر نخواهد زد و بخصوص اگر میزان سهم وی قابل توجه باشد، می‌تواند به تقویت استقلال وی در مقابل سهامداران عمده کمک کند. بنابراین یک عضو هیأت مدیره، مستقل قلمداد نمی‌شود اگر با شرکت یا اشخاص وابسته رابطه تجاری داشته باشد، جزء مدیران اجرایی شرکت یا اشخاص وابسته به شرکت باشد، در اشخاصی که روابط تجاری با شرکت دارند، سهامدار یا مدیر باشد یا با سهامداران عمده یا مدیران شرکت و اشخاص وابسته نسبت خانوادگی داشته باشد.

در مورد عضو گروه مدیران سرمایه‌گذاری، مفهوم استقلال در مقررات تعریف نشده است؛ لکن به دلیل آنکه تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط این گروه گرفته می‌شوند، استقلال آن‌ها از نظر برهان اهمیت دارد. آنها باید بتوانند مستقل از منافع مدیر صندوق و اشخاص وابسته به آن، صرفاً در جهت منافع سرمایه‌گذاران تصمیم‌گیری کنند. از نظر برهان هر قدر سابقه، تحصیلات و تخصص یک مدیر سرمایه‌گذاری، بیشتر و غنی‌تر بوده و به جز حقوق و مزایای ناشی از عضویت در گروه مدیران سرمایه‌گذاری، منافع دیگر کمتری از رابطه با مدیر صندوق و اشخاص وابسته داشته باشد، از استقلال بیشتری برخوردار خواهد بود. عضو گروه مدیران سرمایه‌گذاری در صورتی مستقل‌تر است که نگرانی کمتری برای از دست دادن شغل و ارتباطات خود با مدیر صندوق داشته باشد. برای ارزیابی استقلال مدیران سرمایه‌گذاری، روابط تجاری، نسبت خانوادگی، مشاغل و سهامداری آنها نیز بررسی می‌شوند. تشریفات نصب و عزل مدیران سرمایه‌گذاری می‌تواند بر میزان استقلال آن‌ها مؤثر باشد. هر قدر این تشریفات سخت‌گیرانه‌تر باشد، استقلال مدیران سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. مثلاً نصب مدیران سرمایه‌گذاری می‌تواند منوط به طرح گزارشی از سوابق، تخصص و تحصیلات آن‌ها در هیأت مدیره مدیر صندوق یا کمیته‌ای مستقل از هیأت مدیره و تصویب آن مرجع باشد. همچنین عزل هر یک از آن‌ها می‌تواند نیاز به طرح گزارش عملکرد، ذکر دلایل و تصویب در هیأت مدیره یا کمیته هیأت مدیره داشته باشد.

وجود منشور گروه مدیران سرمایه‌گذاری که در آن تشریفات دعوت، تشکیل جلسات، نحوه تصمیم‌گیری و ثبت تصمیمات به روشنی تشریح شده باشد و رعایت دقیق آن در عمل، به حاکمیت شرکتی مناسب یاری می‌رساند. تنظیم به موقع صورتجلسات و ثبت نظرات مخالف در صورت وجود، اهمیت دارد. تصمیمات خرید و فروش دارایی‌های صندوق باید حاوی حداقل حد اقل قیمت، تعداد قابل خرید و فروش و دوره زمانی مجاز برای خرید/فروش باشد. همچنین قبل از گرفتن هر تصمیم راجع به سرمایه‌گذاری، باید بررسی شود که اجرای آن منجر به نقض محدودیت‌های مربوط به ترکیب سرمایه‌گذاری می‌شود یا خیر.

از نظر برهان برقراری تعادل بهینه بین مدیران مستقل و مدیران داخلی، ضروری است. گرچه اکثریت داشتن مدیران مستقل یک امتیاز محسوب می‌شود، لکن شرکت نباید خود را از مدیران داخلی که با فرهنگ، سابقه و مسائل شرکت ارتباط بیشتری

دارند، محروم کند. اشتغال تمام وقت مدیران داخلی در شرکت، یک مزیت محسوب می‌شود. مدیر غیرمستقلی که سمت و شغلی مشخص در مدیر صندوق یا اشخاص وابسته‌ای که در تعیین راهبردهای مدیر صندوق تأثیرگذارند، نداشته باشد، مزیتی به ترکیب مدیران اضافه نمی‌کند.

از نظر برهان استقلال یا عدم استقلال می‌توانند دو سر یک طیف باشند. بنابراین، برهان به مسئله استقلال مدیر، به صورت صفر و یک نگاه نمی‌کند. هرچه معیارهای استقلال کمتر رعایت شوند، میزان استقلال مدیر نیز کمتر خواهد بود؛ گرچه مدیرانی که اصول استقلال را بیش از حد معینی نقض کنند، از نظر برهان تعریف مدیر مستقل را نخواهند داشت. همچنین، برهان تعریف مخصوص خود را از اشخاص وابسته دارد.

موضوع دیگر قابل بررسی در این قسمت، نظام کنترل داخلی در امور مرتبط با صندوق در مدیر صندوق است. نظام کنترل داخلی مجموعه‌ای از رویه‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهایی است که کارایی و اثربخشی را برای وصول به اهداف تقویت می‌کند، رعایت مقررات را ارتقاء می‌دهد و از عدم وقوع اشتباهات، سوء استفاده، تقلب، گم‌شدن، سرقت و اختلاس اموال شرکت اطمینان معقول حاصل می‌کند. با جداسازی مالکیت از مدیریت و گسترش فعالیت‌های یک سازمان، نظام کنترل داخلی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نظام کنترل داخلی علاوه بر اندازه سازمان، باید مطابق با ماهیت فعالیت سازمان تنظیم شود.

مستندات مربوط به ثبت و گزارشگری رویدادهای مالی صندوق، پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی در نرم‌افزارهای مورد استفاده صندوق برای ثبت رویدادهای مالی و صدور و ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری، کنترل‌های تعبیه شده برای اطمینان از دریافت درخواست‌های صدور و ابطال از شخص سرمایه‌گذار یا اشخاص مجاز از طرف ایشان، کنترل‌های تعبیه شده برای اطمینان از این که مبالغ پرداختی به سرمایه‌گذاران از طرف صندوق به حساب متعلق به ایشان واریز می‌شود، کنترل‌های مربوط به محاسبه صحیح خالص دارایی‌های صندوق، استفاده از حساب‌های بانکی جداگانه برای صندوق و کنترل مستمر و دوره‌ای ورودی و خروجی این حساب‌ها، وجود واحد مستقل برای حسابرسی داخلی با نیروی انسانی کافی و صلاحیت‌دار، کیفیت گزارش‌های واحد حسابرسی داخلی و وجود کمیته حسابرسی در جایگاه مناسب در ساختار سازمانی و عملکرد آن، از موارد مورد ارزیابی در زمینه نظام کنترل داخلی است.

حوزه دیگر مورد بررسی، کنترل بیرونی است. نظام کنترل بیرونی شامل صلاحیت، کیفیت کار و میزان درگیر بودن اشخاص مستقل از مدیر صندوق در کنترل فعالیت‌های مرتبط با صندوق است. حسابرس مستقل صندوق، متولی و همچنین سازمان بورس به عنوان مقام ناظر، جزء اشخاص بیرونی ناظر بر صندوق قلمداد می‌شوند. برای ارزیابی صلاحیت حسابرس و متولی، برهان ممکن است از نتایج رتبه‌بندی مقامات ناظر و مراجع تخصصی مربوطه در خصوص این اشخاص از جمله جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار استفاده کند، در عین این که کیفیت کار عملی آن‌ها را نیز از طریق گزارش‌های آن‌ها از نتایج بررسی‌هایشان از جمله نامه مدیریت و اظهار نظر حسابرس راجع به صورت‌های مالی ارزیابی می‌کند. واکنش مدیر صندوق به گزارش کنترل‌کنندگان بیرونی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در صورت همکاری متولی، رویه‌های متولی در نظارت بر سایر ارکان و کیفیت و کمیت نیروی انسانی اختصاص داده به این امر نیز بررسی می‌شوند.

حوزه دیگر مورد ارزیابی، نظام کنترل تضاد منافع است. تضاد منافع به موقعیتی گفته می‌شود که منافع مادی یا غیرمادی یک شخص یا سازمان تصمیم‌گیر، با منافع شخص ثالثی که رعایت منافع وی نیز از وظایف شخص یا سازمان تصمیم‌گیر محسوب

می‌شود، در تضاد باشد. در این صورت، شخص یا سازمان تصمیم‌گیر، ممکن است به نفع خود و به زیان شخص ثالث مذکور، تصمیم‌گیری کند. برای جلوگیری از این امر، لازم است نظامی مستقر گردد که حتی‌الامکان از وقوع تضاد منافع ممانعت کرده و در صورتی که جلوگیری از آن میسر نباشد، تضاد منافع ایجاد شده را به موقع شناسایی و به شکل منصفانه، حل و فصل نماید. احتمال وجود تضاد منافع وقتی شرکت به یک گروه تعلق دارد، بیشتر خواهد بود. یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع تضاد منافع، ندادن وظایف و مسئولیت‌های متضاد به یک شخص یا واحد سازمانی است. در این روش وظایف و مسئولیت‌هایی که ایجاد تضاد منافع می‌کنند به واحدهای سازمانی مختلف سپرده شده و ارتباط بین این واحدها قطع می‌شود؛ که اصطلاحاً به سیاست دیوار چین معروف است. مثلاً چنانچه مدیر سبد سرمایه‌گذاری صندوق، همزمان وظیفه مشاوره به سایر سرمایه‌گذاران را داشته باشد، این امر می‌تواند برای وی تضاد منافع به وجود آورد. در این شرایط، مدیر صندوق برای بهبود عملکرد صندوق تحت مدیریت و در نتیجه دریافت پاداش عملکرد بیشتر، سایر سرمایه‌گذاران را به خرید اوراق بهاداری که قبلاً صندوق در آن سرمایه‌گذاری نموده است، تشویق می‌کند؛ یا برعکس، برای موفقیت در مشاوره، دارایی‌های صندوق را برای خرید اوراق بهاداری که قبلاً به سایر سرمایه‌گذاران توصیه نموده است به کار می‌گیرد. تفکیک این دو وظیفه و سپردن آنها به واحدهای سازمانی مختلف و برقراری دیوار چین بین آنها، می‌تواند به کاهش یا حذف این تضاد منافع کمک کند. به عنوان مثال دیگر، لازم است بین مدیریت سبد سرمایه‌گذاری صندوق و واحد سازمانی یا کارکنانی که در مورد سرمایه‌گذاری مدیر صندوق و اشخاص وابسته تصمیم‌گیری می‌کنند، دیوار چین برقرار شود.

در صورتی که مدیر صندوق همزمان سبد اختصاصی سرمایه‌گذاران را نیز مدیریت می‌کند، بین این دو وظیفه می‌تواند تضاد منافع به وجود آید. در این شرایط مدیر صندوق می‌تواند با هدف جابجایی منافع، اوراق بهادار تحت تملک صندوق سرمایه‌گذاری را بفروشد و همزمان همان اوراق بهادار را برای سبدهای اختصاصی تحت مدیریت خود خریداری کند و بالعکس. در این جا برقراری دیوار چین بین مدیریت سبد سرمایه‌گذاری صندوق و مدیریت سبدهای اختصاصی، یک راه حل می‌باشد که ممکن است برای یک مدیر صندوق که فعالیت گسترده‌ای در این زمینه ندارد، هزینه‌بر و غیرمعقول باشد.

موضوع دیگری که می‌تواند باعث ایجاد تضاد منافع شود، سرمایه‌گذاری شخصی مدیران سرمایه‌گذاری و اشتغال آنها در جاهای دیگر است. چنانچه یک مدیر سرمایه‌گذاری در همان اوراق بهاداری که صندوق خریداری کرده است، سرمایه‌گذاری نموده، یا در اوراق مشتقه آن دارای موقعیت باشد، می‌تواند وی را با تضاد منافع روبه‌رو کند. همچنین چنانچه مدیر سرمایه‌گذاری صندوق، در شرکت دیگری مسئولیت مشابهی داشته باشد، وی را با تضاد منافع روبه‌رو خواهد کرد. از این‌رو مدیر صندوق باید در زمینه سرمایه‌گذاری و اشتغال همزمان مدیران سرمایه‌گذاری و سایر کارکنان کلیدی شامل کارکنانی که در تحلیل و همچنین مدیریت ریسک دخالت دارند، در شرکت‌های دیگر، محدودیت‌هایی وضع کند و برای شناسایی تضاد احتمالی به وجود آمده ناشی از این امور، رویه‌هایی داشته باشد. یک روش مؤثر، منع معاملات پیش‌دستانه نسبت به صندوق و برقراری رویه‌هایی برای کنترل آن است.

سرمایه‌گذاری صندوق در اوراق بهادار صادره از طرف مدیر یا اشخاص وابسته، از نظر برهان، می‌تواند زمینه دیگری برای بروز تضاد منافع باشد. سرمایه‌گذاری صندوق در اوراق بهاداری که مدیر یا اشخاص وابسته در انتشار آن، سمت یا نقشی نظیر تعهد پذیرهنویسی، بازارگردانی یا توزیع و فروش دارند نیز در همین راستاست. این قبیل معاملات، معامله با اشخاص وابسته قلمداد می‌شوند و باید به دقت تحت کنترل باشند و برای انجام آنها، رویه‌های از پیش تعریف شده‌ای وجود داشته باشد.

از نظر برهان سرمایه‌گذاری مدیر صندوق و اشخاص وابسته و همچنین مدیران سرمایه‌گذاری و سایر کارکنان کلیدی مدیر صندوق در صندوق سرمایه‌گذاری تحت مدیریت، می‌تواند از جهاتی تضاد منافع را کاهش دهد؛ البته مشروط بر آنکه میزان این سرمایه‌گذاری قابل توجه باشد.

چنانچه مدیر صندوق یا شخص وابسته به وی، کارگزار صندوق است یا چنانچه مدیر صندوق یا شخص وابسته به وی یا هر یک از مدیران آن‌ها، در کارگزار صندوق سمت مدیریت داشته باشند، آن‌گاه این موضوع زمینه را برای کارمزدسازی که ناشی از تضاد منافع است، فراهم می‌کند. در این شرایط، برهان کفایت روش‌های جلوگیری از کارمزدسازی را ارزیابی خواهد کرد. وجود آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاقی و آموزش کارکنان و نظارت بر اجرای آن توسط مدیر صندوق نیز یک مزیت محسوب می‌شود.

آخرین موضوع مورد بررسی در این قسمت، نظام کنترلی برای رعایت قوانین، مقررات، اساسنامه و امیدنامه صندوق، سیاست‌های سرمایه‌گذاری و سایر مصوبات داخلی است. وجود واحدی مستقل با جایگاه سازمانی مناسب و امکانات و نیروی انسانی کافی برای کنترل رعایت موارد یاد شده و عملکرد آن بررسی می‌شوند. نقض اساسی و با اهمیت و مداوم مقررات و مستندات و مصوبات صندوق، در ارزیابی این موضوع لحاظ می‌شوند.

۴. تداوم فعالیت

حوزه دیگر مورد ارزیابی در رتبه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری، میزان اطمینان از تداوم فعالیت صندوق است. برهان این حوزه را از طریق بررسی توان مالی مدیر صندوق، میزان حمایت‌های بیرونی از مدیر صندوق و میزان پایداری صندوق ارزیابی می‌کند.

توانایی مالی مدیر ارزیابی می‌گردد تا اطمینان حاصل شود که مدیر می‌تواند به بقای خود برای ارائه خدمات مرتبط با صندوق در آینده هم ادامه دهد. در این ارزیابی، عواملی چون تنوع محصولات و خدمات، میزان سودآوری، میزان سرمایه در گردش، کفایت جریان نقدی برای حمایت از فعالیت‌های جاری و پاسخگویی به نیازهای آتی، دسترسی به منابع بیرونی و تاب‌آوری در شرایط مختلف اقتصادی، بررسی می‌شوند. همچنین میزان دارایی‌های تحت مدیریت مدیر (با حذف سرمایه‌گذاری مدیر و اشخاص وابسته به وی) و تنوع آن‌ها و سهم درآمد مدیر از سبدگردانی، میزان اهمیت این صنعت را برای مدیر صندوق نشان می‌دهد. تنوع درآمدهای عملیاتی و انعطاف‌پذیری در هزینه‌ها نیز مزیت محسوب می‌شوند. رشد دارایی‌های تحت مدیریت از نظر ارزش و تنوع نیز با روند صنعت مقایسه خواهد شد.

تعداد سرمایه‌گذاران صندوق و ترکیب آن‌ها از نظر میزان دانه‌بندی و سهم اشخاص حقیقی و حقوقی در صندوق، نشان از میزان پایداری صندوق دارد. تمرکز واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق در دست تعداد کمی از سرمایه‌گذاران، ریسک ناپایداری صندوق را افزایش می‌دهد؛ چرا که با خروج آن‌ها از صندوق، خالص دارایی‌های صندوق به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. جذب سرمایه‌گذاران خارجی، تنوع را افزایش داده و مزیت محسوب می‌شود. تنوع صندوق‌های سرمایه‌گذاری تحت مدیریت صندوق، این امکان را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند که سرمایه خود را بین صندوق‌های مختلف جابجا کنند و به این ترتیب، مجموع دارایی‌های تحت مدیریت مدیر، حفظ شود.

میزان حمایت سهامداران از مدیر صندوق نیز عامل مهمی در تداوم فعالیت‌های مدیر صندوق محسوب می‌شود. در اینجا برهان تطابق اهداف سهامداران با فعالیت‌های مدیر، میزان اهمیت راهبردی فعالیت‌های مدیر صندوق برای سهامداران، توان مالی سهامداران، میزان آمادگی آن‌ها به حمایت از مدیر صندوق در شرایط اضطراری و سابقه کمک‌های قبلی آن‌ها و میزان آمادگی سهامداران به تأمین سرمایه مورد نیاز مدیر برای اجرای برنامه‌های آتی را ارزیابی می‌کند.

۵. روابط با سرمایه‌گذاران

در این جا منظور از سرمایه‌گذاران هر دو گروه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه صندوق است. برقراری رابطه مناسب با سرمایه‌گذاران و ایفای حقوق آن‌ها، از جمله معیارهای مدیریت مناسب صندوق سرمایه‌گذاری است. میزان فعالیت مدیر در ترویج صندوق، می‌تواند به افزایش اندازه صندوق و به تبع آن ایجاد صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس کمک کند. مدیر صندوق سرمایه‌گذاری باید در اقلام تبلیغاتی برای جذب سرمایه‌گذاران بالقوه، شفافیت را سرلوحه کار خود قرار دهد و چنانچه این اقلام شامل عملکرد گذشته صندوق باشد، آن را به شکل منصفانه و بدون جانبداری ارائه دهد. اقلام تبلیغاتی نباید حاوی اطلاعات غیر واقعی بوده و به شکل گمراه‌کننده ارائه شده باشند. تبلیغات صندوق باید حاوی تمام اطلاعات مهم بوده یا در غیر این صورت، سرمایه‌گذار بالقوه را به روشنی به جایی (مثل پایگاه الکترونیکی صندوق) ارجاع دهد تا سرمایه‌گذار بالقوه بتواند با مراجعه به آن، اطلاعات مهم مربوط به تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در صندوق را به دست آورد.

کیفیت، شفافیت و تواتر گزارش‌هایی که مدیر صندوق از عملکرد صندوق تهیه و برای عموم منتشر می‌کند و روش‌های انتشار آن، در ارزیابی برهان در ایجاد روابط مؤثر با سرمایه‌گذاران، در نظر گرفته می‌شود. تنوع، کیفیت و شفافیت روش‌های نوین مورد استفاده احتمالی مدیر برای انتشار گزارش‌های عملکرد صندوق و سایر واقعیت‌های مرتبط با صندوق (اعم از پایگاه الکترونیکی، کانال‌های ایجاد شده در شبکه‌های اجتماعی و غیره) و سطح کاربرپسند بودن طراحی این روش‌ها، در ارزیابی امتیاز روابط با سرمایه‌گذاران مؤثر است.

مدیر صندوق می‌تواند روش‌های ویژه‌ای را برای ارائه اطلاعات اختصاصی هر سرمایه‌گذار، طراحی و پیاده‌سازی کند. اطلاعات اختصاصی از جمله شامل اطلاعات مربوط به درخواست‌های صدور و ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری و نتایج اجرای آن‌ها، گردش حساب سرمایه‌گذار در صندوق که در آن هزینه‌های منظور شده به حساب سرمایه‌گذار نیز به روشنی منعکس شده باشد و تعداد واحدهای سرمایه‌گذاری تحت تملک سرمایه‌گذار در هر تاریخ دلخواه می‌باشد. این اطلاعات می‌توانند از طرق مختلفی از جمله از طریق نام کاربری و رمز عبور اختصاصی اعطاء شده به سرمایه‌گذار یا از طریق ارسال پیامک یا رایانامه، در اختیار سرمایه‌گذار قرار گیرند. تنوع کانال‌های ارتباطی و ارائه به موقع اطلاعات یادشده و آسانی دسترسی سرمایه‌گذار به این اطلاعات، اهمیت خاص خود را دارد.

دریافت گواهی سرمایه‌گذاری و سایر صورت‌حساب‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در صندوق و هزینه‌های مرتبط به شکل تایید شده که قابلیت ارائه به مراجع ذی‌صلاح را داشته باشد، از حقوق سرمایه‌گذار است. صندوق باید رویه‌ای برای صدور مدارک یاد شده به درخواست سرمایه‌گذار داشته باشد، گر چه صدور این مدارک می‌تواند به دریافت هزینه‌ای معقول منوط باشد.

مدیریت مناسب صندوق، باید روش‌هایی که سرمایه‌گذار می‌تواند انتقادات، سؤالات و شکایات خود را به مدیر و یا سایر ارکان نظارتی ارائه کند، مستند کرده و به شکل شفاف و مناسب به اطلاع سرمایه‌گذاران برساند. این مستند باید ساده و قابل فهم

برای یک سرمایه‌گذار معمولی باشد. کانال‌هایی که سرمایه‌گذار می‌تواند انتقادات، سؤالات و شکایات خود را مطرح و پیگیری کند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مدیر صندوق باید رویه‌های رسیدگی به انتقادات و شکایات و پاسخگویی به سؤالات را نیز مستند کند و نتایج را به سرمایه‌گذار منعکس نماید. کفایت و میزان آموزش نیروی انسانی که مدیر صندوق به این امر اختصاص داده است، در اجرای اثربخش این رویه‌ها مؤثرند. در ارزیابی این موضوع ممکن است عملکرد مدیر در برخورد با چند نمونه واقعی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

مستند بودن و جامعیت فرآیند و گستردگی شبکه مورد استفاده مدیر صندوق در شناسایی و احراز هویت سرمایه‌گذاران و استفاده از تکنولوژی اطلاعات در این زمینه، در این بخش ارزیابی می‌شود. استفاده مدیر ثبت صندوق از شعب و امکانات اشخاص ثالث از جمله شعب بانک‌ها و دفاتر خدمات بخش عمومی در این زمینه، می‌تواند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری حجیم مدیر ثبت، منجر به گسترش شبکه دسترسی به سرمایه‌گذاران گردد.

روش‌های مورد استفاده مدیر ثبت صندوق، برای دریافت و اجرای درخواست‌های صدور و ابطال یا خرید و فروش واحدهای سرمایه‌گذاران و بهره‌گیری بهینه از تکنولوژی اطلاعات در این زمینه از جمله از طریق پایگاه الکترونیکی صندوق یا نرم‌افزارهای قابل نصب بر روی تلفن‌های همراه هوشمند یا از طریق مرکز تماس نیز به عنوان خدمات مناسب برای تقویت روابط با سرمایه‌گذاران قلمداد می‌شود.

پرداخت مبلغی به صورت علی‌الحساب در مقابل واحدهای ابطال شده، پیش از موعد تعیین شده در مستندات صندوق و امکان جابجایی سرمایه‌گذار در انواع صندوق‌های تحت مدیریت مدیر صندوق با هزینه کم و با سهولت، از دیگر امتیازاتی است که صندوق برای سرمایه‌گذاران در نظر می‌گیرد. پایین بودن نسبت هزینه‌های صندوق در مقایسه با صندوق‌های هم‌تا و معقول بودن هزینه‌های معاملاتی نیز به معنی کارایی مدیریت در به کارگیری منابع است.

۶. فعالیت‌های پشتیبان

فعالیت‌های پشتیبان شامل تمام فعالیت‌های اداری است که مدیر صندوق برای پشتیبانی از فعالیت‌های صندوق انجام می‌دهد. اجرای تصمیمات سرمایه‌گذاری، ثبت و گزارشگری رویدادهای مالی، تنظیم و تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی از صندوق، جزء فعالیت‌های پشتیبان محسوب می‌شوند. کیفیت فعالیت‌های پشتیبان در درجه‌بندی کیفیت مدیریت صندوق سرمایه‌گذاری اهمیت خاص خود را دارد.

برهان، مستندات فرآیند اجرای سفارش‌های خرید و فروش اوراق بهادار به نام صندوق و اجرای سایر تصمیمات سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند. وجود نرم‌افزارهای مکانیزه برای ثبت و اجرای سفارش‌ها و تصمیمات به گونه‌ای که با سامانه‌های معاملاتی در تعامل بوده و نتیجه اجرای تصمیمات را به صورت مکانیزه و در لحظه دریافت و گزارش نماید، یک امتیاز محسوب می‌شود. داشتن مجوز کارگزاری برای اجرای سفارش‌های خرید و فروش یا وجود روابط مناسب با یک یا چند کارگزاری برای این منظور نیز در نظر گرفته می‌شود. میزان تطبیق نرم‌افزارهای یادشده (در زمینه اجرا و اخذ گزارش‌ها) با نیازهای جاری و انعطاف‌پذیری آنها برای تطبیق با نیازهای احتمالی آتی، بررسی می‌شوند. همچنین وجود امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مدیر برای ایجاد بستری به منظور ذخیره‌سازی و نگهداری اطلاعات صندوق در سامانه‌های پشتیبان در مقاطع زمانی مختلف و مکان‌های جغرافیایی متفاوت، در نظر گرفته می‌شود.

برهان، همچنین کفایت رویه‌ها و فرآیندهای شناسایی، ثبت و گزارشگری رویدادهای مالی صندوق را بررسی می‌کند. وجود نرم‌افزار مناسب در این زمینه که نیازهای جاری و آتی را پاسخ دهد و ارتباط مناسب و برخط با سامانه مدیریت سفارش‌ها داشته باشد از اهمیت برخوردار است. در ارزیابی این بخش، برهان کیفیت‌های گزارش‌های مالی و عملکردی صندوق را نیز بررسی می‌کند.

کفایت کارکنان، تناسب تجربه و تخصص آن‌ها که برای فعالیت‌های پشتیبان اختصاص داده شده است و همچنین آموزش مداوم آن‌ها و وجود برنامه‌های جانشین‌پروری نیز در نظر گرفته می‌شوند.

مدیر صندوق باید در مورد سامانه‌های ذخیره‌سازی داده‌های مربوطه به صندوق سرمایه‌گذاری و اجرای فعالیت‌های پشتیبان، اصول فنی ایمنی را رعایت کند و از داده‌ها در مواقع زمانی لازم، پشتیبان تهیه کرده و به شکل مناسب نگهداری نماید. همچنین برنامه مدیر صندوق برای مقابله با شرایط خاص^۳ نیز مورد توجه قرار می‌گیرند.

^۳ Disaster Recovery Plan